



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
 موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل دوم: اخبار و روایات -
 ادامه بررسی اشکال محقق نائینی به محقق خراسانی
 سال شانزدهم
 تاریخ: ۲۱ بهمن ۱۴۰۳
 مصادف با: ۱۰ شعبان ۱۴۴۶
 جلسه: ۷۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در پاسخ محقق نائینی به محقق خراسانی بود. ایشان در استدلال به اخبار برای حجیت خبر واحد، فرمودند: برای اینکه از اشکال دور خلاص شویم، می‌توانیم از راه تواتر اجمالی وارد بشویم، یعنی بگوییم: یک تواتر اجمالی در میان روایات مربوطه به حجیت خبر واحد وجود دارد که همین تواتر کمک می‌کند که بتوانیم اخبار را به عنوان دلیل برای حجیت خبر واحد مورد استناد قرار بدهیم.

محقق نائینی اشکال کردند که اینجا یا قدر جامع و قدر متیقن بین این روایات وجود دارد یا قدر متیقنی وجود ندارد؛ اگر قدر جامع وجود داشته باشد که این بازگشت به تواتر معنوی می‌کند و اگر قدر جامع نباشد دیگر اصلاً تواتر اجمالی تحقق پیدا نمی‌کند. چون بالاخره این روایات طبق فرض، هر کدام بر یک معنایی دلالت می‌کنند، وقتی قدر جامعی بین اینها نباشد معنایش این است که در تک تک این روایات احتمال کذب وجود دارد.

ادامه بررسی اشکال محقق نائینی به محقق خراسانی

ما عرض کردیم این فرمایش محقق نائینی از جهتی مورد اشکال است. در جلسه گذشته اشاره کردیم که باید ببینیم آیا واقعا اینجا اگر قدر جامع وجود داشته باشد بازگشت به تواتر معنوی می‌کند یا نه؟

اگر منظور از تواتر معنوی این است که یک معنا و مضمون حتی از جهت سعه و ضیق در بین همه این روایات وجود دارد و اختلاف تنها در الفاظ است، اینجا چنین تواتری نیست. تواتر معنوی مثلا در مورد حدیث ثقلین وجود دارد یعنی این مضمون (که رسول گرامی اسلام ثقل اکبر و اصغر یعنی قرآن و عترت طاهره را به عنوان میراث خودشان باقی گذاشتند و فرمودند هر کس به این دو تمسک کند در حوض کوثر بر من وارد خواهد شد) در تمام روایاتی که به عنوان روایت ثقلین معروف شده وجود دارد، هر چند تعبیرات و الفاظ مختلف است.

اگر منظور از تواتر معنوی چنین معنایی باشد، قطعا در بین اخباری که دال بر حجیت خبر واحد هستند چنین چیزی نیست. یعنی آن چهار طائفه‌ای که شیخ انصاری ذکر کردند با هم تفاوت‌های معنایی دارند، اینطور نیست آن چهار طائفه در یک معنا با هم یکی باشند، فقط تعبیرات فرق بکند، چون تفاوت‌های محتوایی بین اینها دیده می‌شود.

اگر این راه مسدود شود، باید برویم سراغ تواتر اجمالی که محقق خراسانی فرمودند. اینجا تواتر اجمالی این است که بگوییم حداقل یکی از روایاتی که در کتب حدیثی پیرامون صفات قاضی ذکر شده، (چون عمده روایات در ابواب صفات قاضی بیان شده) یقیناً از معصوم صادر شده است. قبلاً گفتیم تواتر اجمالی حتی با فرض نبودن قدر جامع هم اعتبار دارد، مثالش را هم ذکر کردیم، گفتیم در برخی موارد با اینکه قدر متیقن نیست اما در عین حال علم اجمالی موثر است، چون مانع جریان اصالة برائة می‌شود.

حال در مانحن فیه اینطور نیست که هیچ قدر جامعی نباشد؛ بالاخره ما می‌توانیم بین این روایات قدر جامع را تصویر کنیم. عمده این است که اگر قدر جامع تصور کردیم، آیا این به تواتر معنوی باز می‌گردد یا نه؟ و آیا تواتر معنوی در اینجا همانند تواتر معنوی ادعایی در مورد حدیث ثقلین است یا نه؟

اگر ما گفتیم اینجا قدر جامع هست، این قدر جامع باید به درستی شناخته شود، چون این روایات فی الجمله دلالت می‌کند بر اعتبار خبر واحد، منتهی طبق برخی از روایات دامنه‌ی بسیار وسیعی دارد؛ مثلاً مطلق خبر ثقه را حجت دانسته طبق برخی روایات خبر ثقه عادل را و طبق برخی روایات خبر ثقه عادل امامی. پس از نظر سعه و ضیق در حجیت خبر واحد بین این روایات تفاوت است. اما با این حال یک قدر متیقنی بین اینها وجود دارد و همین مقدار می‌تواند باعث شود که ما این را به عنوان دلیل بر حجیت خبر واحد بپذیریم.

سخن محقق نائینی این بود که آنچه محقق خراسانی گفته یا بازگشت به تواتر معنوی می‌کند یا اساساً تحقق ندارد. یعنی می‌خواست اصل تواتر اجمالی را انکار کند، ما در مقابل ادعا می‌کنیم اینجا بین روایات قدر متیقن وجود دارد و چون قدر متیقن وجود دارد می‌توانیم بگوییم یک تواتر معنوی تحقق دارد و این تواتر معنوی برای حجیت خبر واحد کافی است. پس دقت کنید با محقق نائینی ما دو مطلب داریم:

یکی اینکه آیا اساساً تواتر اجمالی درست است یا نه چون ایشان تواتر اجمالی را انکار کرده است. دوم اینکه آیا اگر تواتر اجمالی انکار شد، تواتر معنوی اینجا تحقق دارد یا ندارد؟

ما می‌گوییم تواتر اجمالی فی الجمله تحقق دارد، بالاخره این همه روایاتی که در کتب اربعه نقل شده با توجه به اینکه در برخی از این کتب اربعه مثل کافی، خود کلینی شهادت به صدور این روایات از امام معصوم داده و برای او قطعی بوده صدورش از معصوم و صاحب وسائل هم تقریباً هشتاد مصدر در کتاب وسائل ذکر کرده و مدعی است که اینها همه از معصوم صادر شده؛ لذا اینکه ما در بین روایات منقوله در مورد خبر واحد، یقین پیدا کنیم به این که یکی از اینها از معصوم صادر شده، تردیدی نیست. لکن عمده این است که آن روایتی که ما یقین به صدورش پیدا می‌کنیم کدام است؟ فرض این است که یک قدر متیقنی اینجا وجود دارد، چون اگر قدر متیقن نباشد دیگر برای استدلال بر حجیت خبر واحد فایده‌ای ندارد. ولو تواتر اجمالی باشد. اینکه ما یقین داشته باشیم یکی از اینها از معصوم صادر شده، چه کمکی به ما می‌کند برای حجیت خبر واحد.

محقق نائینی می‌گوید قدر متیقن این اخبار حجیت خبر ثقه است. اعم از این که عادل باشد یا نباشد، امامی باشد یا نباشد، حجیت خبر ثقه قدر متیقن این اخبار است. اگر این قدر متیقن ثابت شود، ما می‌توانیم ادعای تواتر اجمالی بکنیم. البته ایشان این را

برمی‌گرداند به تواتر معنوی و همین برای حجیت خبر واحد کفایت می‌کند، این می‌تواند دلیل باشد، چون ما فقط باید این را از خبر واحد بودن در بیاوریم و بشود خبر متواتر.^۱

یک اشکال مهم اینجا این است که ما نمی‌توانیم قدر متیقن این اخبار را حجیت خبر ثقه بدانیم چون ما چند طائفه روایت داریم، چهار طایفه را شیخ انصاری فرمودند، ببینیم آیا واقعا بین اینها قدر متیقن وجود دارد یا خیر؟

در بعضی روایات، مثل روایتی که در آن امام فرمود «لَا عُدْرَ لَاحِدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا تِقَاتُنَا»، درست است خبر ثقه را حجت میکند اما می‌فرماید «تقاتنا»، اضافه «تقات» به «نا» دلالت بر این دارد که آن کسی که خبر را روایت می‌کند باید از ما باشد، یعنی امامی مذهب باشد، شیعه باشد؛ پس اینجا این دلالت می‌کند بر حجیت خبر ثقه امامی.

در بعضی روایات، مخصوصا روایات علاجیه از آن قید عدالت هم استفاده می‌شود. در مقبوله عمر بن حنظله آمده «الحکم ما حکم به اعدلهما»؛ عدل بودن به عنوان مرجح ذکر شده؛ این نشان می‌دهد عدالت در راوی معتبر است. پس این خبر هم وثاقت هم امامی بودن و هم عادل بودن را معتبر می‌داند. در برخی روایات هم فقط ثقه بودن معیار قرار گرفته است با توجه به آنچه گفته شد، در بین این چهار طائفه، آیا می‌توانیم یک قدر متیقن به دست آوریم؟ آیا اینجا می‌شود یک قدر متیقن استفاده کرد؟ اگر بگوییم قدر متیقن عبارت است از حجیت خبر ثقه، این درست است؟ قطعاً نادرست است. چون یکی می‌گوید حجیت خبر ثقه، یکی می‌گوید حجیت خبر ثقه امامی، یکی می‌گوید حجیت خبر ثقه امامی عادل. اگر ما بگوییم بین این سه طائفه خبر ثقه حجت است، این قدر متیقن است؟ طبق دو طائفه وثاقت به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید علاوه بر وثاقت، امامی باشد، طبق یک طائفه، طبق طائفه دیگر باید عادل هم باشد. بر این اساس، چه قدر متیقنی اینجا وجود دارد؟

درست است هر سه روایت وثاقت را ذکر کردند ولی معنایش این نیست که هر سه بر اعتبار خبر ثقه دلالت دارند تا ما بگوییم قدر متیقن عبارت از حجیت خبر ثقه است. بله هر سه بر یک شرط اتفاق دارند و آن هم وثاقت است. اما آیا هر سه دلالت می‌کنند بر حجیت خبر ثقه؟ لذا اینجا سعه و ضیق باعث می‌شود یک تفاوت اساسی بین این سه طایفه پدید آید.

نتیجه اینکه در بین این طوایف چهارگانه بر خلاف نظر محقق نائینی قدر متیقنی وجود ندارد. اینکه ایشان می‌گوید قدر متیقن اینجا وجود دارد و آن هم حجیت خبر ثقه است قابل قبول نیست.

اینکه ایشان تواتر اجمالی رو انکار کرده در صورتی که قدر متیقن نباشد، عرض کردیم تواتر اجمالی حتی در جایی که قدر متیقن نباشد می‌تواند ارزش داشته باشد. توضیح دادیم که چرا حتی اگر قدر متیقنی نباشد، تواتر اجمالی ارزش دارد، چون تواتر اجمالی موجب تولد یک علم اجمالی می‌شود و با وجود علم اجمالی دیگر اصل برائت جاری نمی‌شود، مثل این که ما دو طائفه روایات داریم، یک طائفه دلالت می‌کند بر وجوب نماز جمعه در روز جمعه، یک طایفه دلالت می‌کند بر حرمت نماز جمعه در روز جمعه. اینجا تواتر اجمالی نسبت به اینکه یک تکلیفی در روز جمعه ثابت است، ایجاد می‌شود. یعنی اینکه ما یقین پیدا کنیم از بین همه روایات دال بر وجوب یا حرمت نماز جمعه، یک روایت از معصوم صادر شده است، این موجب می‌شود یک علم اجمالی حاصل شود که ظهر جمعه یک تکلیف الزامی ثابت است و این مانع اصل برائت می‌شود. پس تواتر اجمالی با نبودن قدر جامع هم دارای ارزش است.

^۱ فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۰۰؛ اجود التقریرات، ج ۲، ص ۳۴۰.

پس اینکه ایشان انکار کرده تواتر اجمالی را در صورت نبودن قدر متیقن، این هم قابل قبول نیست. اما اینکه در صورت وجود قدر جامع تواتر معنوی محقق می‌شود، این را نیز ملاحظه فرمودید؛ که چنین چیزی تحقق پیدا نمی‌کند. این ملاحظاتی بود که نسبت به سخن محقق نائینی قابل ذکر بود.

بحث جلسه آینده

یک مطلبی را امام خمینی در مورد این سخن محقق خراسانی و محقق نائینی دارند. ایشان اساساً نسبت به اینکه از راه تواتر اجمالی بخواهیم حجیت خبر واحد را ثابت کنیم یک اشکالی کرده و معتقد است نمی‌توانیم با تواتر اجمالی مشکل را حل کنیم به نظر ایشان اشکال دور را از راه تواتر اجمالی حل نمی‌شود، بلکه باید از راه سیره عقلا وارد شویم. حال اینکه چگونه از راه سیره عقلا می‌توان از اشکال خلاص شد و چرا از راه تواتر اجمالی ما نمی‌توانیم مشکل دور را حل کنیم، مطلبی است که ان شاء الله روز سه شنبه به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»